

اصول تعاون، ارزشها و شرکت تعاونی

در حال توسعه،

در اقتصاد (تجارت) جهانی

مقدمه:

این مقاله در کنفرانس تحقیق تعاون ارائه گردیده و از آنجا که حاوی مطالب قابل توجه و مفید می‌باشد، جهت بهره‌برداری علاقمندان، بشرح زیر تقدیم میگردد:

۱- جهانی شدن یک تهدید یا یک فرصت

جهانی شدن نه تنها بر سیستم اقتصادی بازار و جریان سرمایه تأثیرگذار است بلکه بطور یکسان در زمینه‌های اجتماعی - سیاسی - تکنولوژی - آمار جمعیت - توسعه - نحوه رفتار و زندگی (اکولوژی) نیز اثر خواهد کرد.

جهانی شدن یک پدیده و مقوله جدیدی نیست، آنچه که جدید است سرعت و برتری یافتن جهانی شدن است، آنهم بعلت دستیابی به اطلاعات جدید ارتباطات و تکنولوژی حمل و نقل، که برای دور افتاده‌ترین کشورها و نقاط مختلف جهان، توسعه، پیشرفت و ایده‌های جدید به همراه می‌آورد.

امروزه یکی از خصوصیات بارز در عصر جهانی شدن، رشد، تحرک و جابجایی سرمایه، نیروی کار و علم و دانش است که با رشد فاصله بین برندگان و بازندگان همراه شده است. جهانی شدن یعنی رشد فاصله بین تعداد خیلی از کشورهای ثروتمند با تعداد کثیری از کشورهای فقیر، اکثریت مردم، جهانی شدن را بمعنی جهانی شدن اقتصاد تلقی می‌نمایند و خصوصیات ذیل را برای آن قائل می‌شوند:

- تسلط سرمایه‌گذاران چند ملیتی قدرتمند و رقابتی ظالم و بی‌رحم
- تجارت آزاد یعنی رقابت سنگین و مکرر غیرمنصفانه
- حذف و از بین رفتن مرز بازارهای سنتی
- کاهش سریع ارزشها، دانشهای مبتنی بر سنتها و

آئین‌ها، بعلت تغییر شرایط و تکنولوژی و نیازمندیهای بازار
- تغییر بازار خریدار و فروشنده با بازار مهیاکننده و کاربر، و فراهم شدن زمینه‌ای که در آن دسترسی به کاربری منابع حتی از صاحبان منابع هم مهمتر شده است.

۱-۱- تهدید جهانی شدن:

بعلت تسلط بازیگران قدرتمند و بی‌نام جهانی، تحت عنوان شرکتهای چند ملیتی که در پهنه جهانی اقدام به تجارت می‌نمایند و تنها در جستجوی سود بیشتری هستند، آنهم بدون توجه به صدماتی که به اقتصاد و جامعه و محیط زیست وارد می‌نمایند، مردم عادی احساس پوچی و ناتوانی میکنند این قدرتها توجه ندارند که بی‌توجهی آنها به اینگونه مسائل، باعث صدمه دیدن دیگران میشود.

یکی از نمونه‌های این صدمات غرق شدن کشتی نفتکش پرستیژ است که در ۱۹ نوامبر سال ۲۰۰۲ در ۲۵۰ کیلومتری سواحل اسپانیا اتفاق افتاد که آلودگی و صدمات زیست محیطی و آلودگی نفتی سنگینی را برای کشورهای اسپانیا، پرتغال و فرانسه دربرداشت. چرا این اتفاق افتاد؟ برای اینکه:



● دکتر هانس مونکنز استاد دانشگاه آلمان
● ترجمه: گرامی پور

**استفاده از مزایای تعاونی‌ها
(برای مثال مزایای سازماندهی،
خودیاری، همیاری و همکاری
متقابل و جمع‌آوری منابع در
گروه‌ها)، میتواند شانس و
فرصت سرمایه‌گذاران خرده‌پا
و متوسط را جهت پایداری و بقا
در اقتصادی جهانی، افزایش
دهد.**

**بعلت تسلط بازیگران قدرتمند
و بی‌نام جهانی، تحت عنوان
شرکتهای چند ملیتی که در
پهنه جهانی اقدام به تجارت
می‌نمایند و تنها در جستجوی
سود بیشتری هستند، آنهم
بدون توجه به صدماتی که به
اقتصاد و جامعه و محیط زیست
وارد می‌نمایند، مردم عادی
احساس پوچی و ناتوانی
میکنند.**

۱- محموله با کشتی کهنه و با حداقل ایمنی و خارج از استاندارد، حمل شده بود.
۲- کشتی متعلق به شرکتی بود که در لیبریا ثبت شده بود.
۳- با پرچم ارزان قیمت پاناما حرکت می‌کرد.
۴- توسط یک شرکت انگلیسی بیمه شده بود.
۵- کشتی بوسیله یک شرکت سوئیسی متعلق به سرمایه‌داران روسی بصورت چارتر اجاره شده بود.
۶- خدمه کشتی را ملوانان ارزان قیمت کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دادند.
صدمه وارد شده بالغ بر میلیاردها دلار است که باید جور آنرا دیگران بکشند. به طوریکه می‌دانیم سواحل را برای سالهای آینده آلوده نموده و دهها هزار ماهیگیر بیکار شده‌اند.
به موازات جهانی شدن اقتصاد و مسائل مالی، جهانی شدن در اندیشه‌ها و عمل و برنامه‌ریزی نیز اثرات خود را کرده است.
نشر اندیشه‌های مثبت مانند:

- حقوق بشر
- درخواست دموکراسی بیشتر - خودرأیی مردم با توجه به دموکراسی
- جهاد علیه فقر و گرسنگی - جهل و بیماری
همچنین اشاعه تأثیرات بد جهانی شدن اندیشه مانند:
- نهدیدات و اثرات مخرب زیست محیطی - گرم شدن کره زمین - تشعشعات هسته‌ای و تروریسم می‌باشد.
نتیجه کلی و اصل حاصل از این تغییرات سریع و عمیق در مورد ارزشها، علم و دانش، ساختار تکنولوژی زمین به بسیار مناسبی را برای همکاری فراهم نموده است تا از طریق بهم پیوستن نیروها و کمک به یکدیگر و آموختن از همدیگر به مقابله با چالش‌ها اقدام شود.
اولین تعاونی مدرن در اواسط قرن نوزدهم و دوره انقلاب صنعتی تشکیل شد.

۱- تسلط سرمایه و استثمار کارگر
۲- بیکار شدن صنعت‌گران و پیشه‌وران سنتی
۳- کاهش نیاز به نیروی کار در بخش کشاورزی بعلت مکانیزه شدن این بخش و تبدیل کشاورزان خرده‌پا به کارگران کارخانجات.
۴- تغییر ساختار اجتماعی و اقتصادی سنتی، مردم را برای یافتن جایگاه جدید در اجتماع با قوانین جدید و با اهداف جدید و با طرح و الگوی نو تحت فشار قرار میداد.
ما هم اکنون شاهد انتقال از جامعه صنعتی به جامعه علمی، اطلاعاتی هستیم علاوه بر اینکه بلوک شرق قدیم از یک سیستم برنامه‌ریزی متمرکز اقتصاد سوسیالیستی، به سیستم اقتصادی لیبرال بازار آزاد انتقال یافته است. تهدیدهای ناشی از تغییر عمیق و مشابه در این مرحله عبارتند از:
- محروم شدن از توسعه، پیشرفت و موفقیت آنهایکه به اطلاعات، تکنولوژی مدرن و منابع مالی و بازار دسترسی ندارند.

- تجزیه و فروپاشی، ساختار اجتماعی قدیمی و رشد فردگرایی و استقلال بر روی خانواده‌ها و اجتماعات اثر گذاشته است.
- کاهش ارزش تجزیه و مهارت، (برای مثال ماشین‌نویس‌های ماهر و با تجربه و تندنویس یا ورود کامپیوتر شخصی عملاً بیکار شده‌اند. زیرا با استفاده از کامپیوتر شخصی همه افراد قادرند کار تایپ را انجام دهند.)

- معایب افرادی که در جامعه فعال و پویا هستند و آنها وادار به فعالیت و پویایی میشوند
- ناتوانی واحدهای اقتصادی کوچک که بر اساس قوانین مرسوم و بصورت سنتی اداره میشوند در بدست آوردن استاندارد لازم در زمینه مقدار، کیفیت و قیمت.

۱-۲- فرصت‌های جهانی شدن

استفاده از مزایای تعاونی‌ها (برای مثال مزایای سازماندهی، خودیاری، همیاری و همکاری متقابل و جمع‌آوری منابع در گروه‌ها)، میتواند شانس و فرصت سرمایه‌گذاران خرده‌پا و متوسط را جهت پایداری و بقا در اقتصادی جهانی، افزایش دهد.
با نگاهی دقیق و عمیق به تعاونی‌ها می‌توان مزایای آنها را بشرح ذیل ملاحظه نمود:
- شرکت‌های تعاونی دارای مشخصات بنیادی



روش کار علم‌انسان و مطالبات فزاینده
رتال جامع علوم انسانی

بوده و ریشه محلی دارند از اینرو آنها، موقعیت محل را خوب میدانند و در مجاورت و نزدیکی منابع محلی کار می‌کنند و نیاز اعضا و مشتریان خود را خوب تشخیص می‌دهند.

- تعاونی‌ها از اتحادی که قابل اعتماد بوده و در محل شناخته شده‌اند ایجاد می‌شوند و سازمان آنها مشهود و رهبران آنها شناخته شده‌اند و بطور مستقیم در مقابل اعضا پاسخگو هستند. به سیستم سازمانی آن و کارکنانی که سیستم را اداره میکنند اعتماد وجود دارد و این کارکنان بعنوان یک سرمایه با ارزش بحساب می‌آیند.

- تعاونی از تکنیک و روش کار کردن شبکه‌ای استفاده نموده و روش همگرایی عمودی و افقی را در مدیریت مورد استفاده قرار می‌دهد که این تکنیک و روشها این امکان را برای واحدهای تعاونی محلی کوچک فراهم می‌کند تا به سازوکارها، روش‌ها، فوت و فن‌ها و منابع محلی، ملی و حتی بین‌المللی دسترسی پیدا کنند.

- تعاونی در مواردیکه لازم باشد جایگزین‌های زنده و

ماندگاری را برای سیستم‌های کهنه و رو به زوال ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، پیشنهاد می‌نماید که دربرگیرنده منافع اعضا بوده و با واقعیت‌های روز منطبق می‌باشد.

- تعاونیها روش جمع‌آوری و هماهنگی تابع را تجربه نموده و بکار می‌برند (مانند خرید کلی، تولید برنامه‌ریزی شده، تأمین اعتبار، جمع‌آوری امار و اطلاعات) تا بتوانند به اهداف و نیازهای جمعی دست یابند.

- تعاونیها فعالیت‌های خود را بر روی تأمین نیاز اعضا متمرکز می‌نمایند بدون آنکه فشار و یا اجباری را برای افزایش سود و یا افزایش ارزش سهام اعضا تحمیل نمایند.

- تعاونیها با بکار بردن اهرم نفع شخصی اعضا، که یکی از اصلی‌ترین و بهترین روشهای هماهنگی اعضا، با یکدیگر میباشد، آنها را بسوی کار گروهی و همکاری با یکدیگر و اداره امور تعاونی به روش سازمانی و برای منافع متقابل سوق می‌دهند.

به عبارت دیگر نوعی فردگرایی تعاونی (CO-cooperative individualism)، کار کردن با همدیگر در تعاونی، امکان در هم آمیختن سبک نوین و مدرن اقتصاد جهانی شده را با جامعه، به شکلی کامل و مطلوب فراهم می‌سازد. یعنی آمیزه‌ای از نفع شخصی و فردگرایی (Individualism)، با همکاری و انضباط گروهی و مسئولیت اجتماعی به وجود می‌آید.

۲- اصول و ارزش‌های تعاونی

اصول و ارزش‌های تعاونی مانند قواعد مذهبی نیستند و خصوصیت دستوری ندارند. در عبارت هویت تعاونی در اتحادیه بین‌المللی تعاون، اصول تعاونی برای کسانی که قصد دارند ارزش‌های تعاونی را در عمل پیاده کنند، به خطوط راهنما اشاره می‌کند.

موفقیت اصول تعاونی از تجربه عملی تعاونیهای موفق بدست آمده است، لذا بهترین عمل برای رسیدن به اهداف اقتصادی تعاونی و خودیاری و همکاری دو طرفه استخراج شده تا امور تعاونی را محقق سازد. نحوه عمل تعاونیها در مقام یک سازمان تجاری خصوصی، تأکید بر اصول داوطلبانه و عضویت آزاد است، این اصول چنین تأثیری را دارد که فقط تعاونیهایی می‌توانند رشد کنند که مردم را متقاعد کنند که منافع آنها را به بهترین وجه تأمین می‌کنند، تا عضو شوند یا عضو باقی بمانند و تعاونیهایی که نتوانند انتظارات اعضا خود را برآورده نمایند، اعضا خود را از دست می‌دهند.

پیش شرط نحوه عمل یک سازمان خصوصی خودیار یا همکاری دو طرفه، این است که تعاونیها تا حدودی دارای استقلال هستند به این معنی که از حق خود تنظیمی، حق فعالیت در چهارچوب شبکه برخوردار می‌باشند، بدون اینکه نیازی به کنترل و نظارت بیشتر مانند سازمانهای خصوصی دیگر داشته باشند.

برابری اعضا

به خصوصیتی اشاره دارد که تعاونیها با اعضای خود، بعنوان انسان سروکار دارند و نه سهامدارانی که صرفاً با میزان سرمایه‌شان شناخته می‌شوند. بر خورد برابر با اعضا با توجه به حقوق عضویت، این ایده را منعکس می‌سازد که تلاشهای پیوسته برای تأمین منافع جمعی برای دستیابی به کالاها، خدمات، اطلاعات و بازارها توجه اصلی است که میزان مشارکت در سرمایه تنها یکی از راهها (و نه مهمترین راه) برای رسیدن به هدف است. برابری اعضا نشانگر این است که یک عضو یک رای دارد و همراهی در برابر قدرت مسلط سرمایه در اقتصاد تجاری است.

عضویت و توجه به مصرف کننده

یعنی ترویج اعضا از طریق ارائه کالاها و خدمات، بجای بازگشت سرمایه و نیز بطور همزمان، ارائه راه‌کار برای کمرنگ ساختن نقش سرمایه از طریق یک عضو، یک رای، و توزیع نتایج اقتصادی (یعنی مازاد درآمد بر هزینه)، در خصوص نحوه مصرف اعضا تعاونی و در درجه دوم قائل شدن سهم کمتری برای سرمایه.

مدیریت و دموکراتیک و کنترل



تعاونی‌ها از اتحادی که قابل اعتماد بوده و در محل شناخته شده‌اند ایجاد می‌شوند و سازمان آنها مشهود و رهبران آنها شناخته شده‌اند و بطور مستقیم در مقابل اعضا پاسخگو هستند. به سیستم سازمانی آن و کارکنانی که سیستم را اداره میکنند اعتماد وجود دارد و این کارکنان بعنوان یک سرمایه با ارزش بحساب می‌آیند.

تعاونی از تکنیک و روش کار کردن شبکه‌ای استفاده نموده و روش همگرایی عمودی و افقی را در مدیریت مورد استفاده قرار می‌دهد که این تکنیک و روشها این امکان را برای واحدهای تعاونی محلی کوچک فراهم می‌کند تا به سازوکارها، روش‌ها، فوت و فن‌ها و منابع محلی، ملی و حتی بین‌المللی دسترسی پیدا کنند.

به این معنا است که رهبری جامعه تعاونی توسط خود اعضا صورت می‌گیرد یعنی داری اعضای که هم آگاهند، هم به عضویت خود اعتماد دارند و برای آن ارزش قائلند و امکان شرکت در انتخابات را هم دارا می‌باشند.

آموزش اعضا و کارکنان

دفاتر، پیش شرط ایجاد تغییر مؤثر و سریع در شرایط اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی در جهان متحول شده می‌باشد. آموزش بعنوان ابزار قطعی کارکنان است (اگر سرمایه تعاونی این امکان را فراهم سازد) و یکی از اهدافی است که تعاونی، اعضا خود را برای بقا و تغییر شرایط مهیا می‌کند و سرمایه‌گذاری برای منابع انسانی در توسعه نقش مؤثر دارد، و ایجاد اطلاعات و ارتباطات دو طرفه بین اعضا و تعاونی را میسر می‌سازد این یک قلمرو کاملاً موفق می‌باشد. چراکه بر گرایشهای اعضای تعاونی اثرگذار است و بر نحوه فعالیت آنها در تعاونی و رضایت آنها مؤثر می‌باشد. هنگامی که سخن از رشد جمعیت می‌شود این تصور پیش می‌آید که اگر تعاونیهای بزرگ با اعضا زیاد و هزینه اطلاعات و ارتباطات دو طرفه و آموزش اعضا با هم رشد نمایند این هزینه از لحاظ اقتصادی باید در نظر گرفته شود تا تصویر واقعی از نتایج بزرگ آن در عضویت گروهی در تعاونی ملحوظ گردد. به همین دلیل شرکتها جوامع مستقل هستند. در سرمایه‌گذاریهای سرمایه‌گذاران تنها تأثیر صرف اقتصادی همیشه مثبت نیست. در جوامع تعاونی که عضویت گروهی مطرح است یک وضعیت پیوسته را برای اعضا وجود می‌آورد که نادیده گرفتن آن باعث جدا شدن اعضا می‌شود به همین دلیل تعاونی باید موارد و منافع دیگر را نیز در نظر گیرد.

شبکه و یا همکاری بین تعاونیها

این امکان را می‌دهد که واحدهای بازرگانی کوچک و متوسط بهم متصل شوند و با واحدهای اقتصادی بزرگ رقابت کنند و به بازارهای جهانی راه یابند. تعاونیها در خلاء کار نمی‌کنند، آنها بهم متصل هستند و عمل می‌کنند، لذا با توجه به اجتماع آنها این امر تنها یک اصطلاح نیست، بلکه مسئولیت همبستگی و همسایگی را می‌رساند این افراد با منافع خود جامعه تعاونی را می‌سازند و نقش فعال در آن ایفاء میکنند و به یکدیگر احترام می‌گذارند. در کل برای تجارت و زندگی به سبک تعاونی یعنی افرادی که آگاه هستند که هیچ شانس برای موفقیت در اقتصاد جهانی ندارند، باید درک کنند که همبستگی با دیگران راه بقاء است و حرکت از فردگرایی محض به فردگرایی تعاون گونه، همبستگی آنها را محکمتر می‌سازد.

در اقتصاد جهانی تعاونیهای کوچک و متوسط و مصرف کننده نقطه مقابل شرکتهای چند ملیتی پویا و قوی هستند. ساختارهای قابل اعتماد محلی ریشه‌دار که به یک ساختار عمودی متصل نیستند و به سطح بین‌المللی میرسند از کوچک بودن خود استفاده می‌کنند و ساختارها را غیرمتمرکز می‌کنند و هزینه کمتر دارند جوامع تعاونی امتیاز رقابتی دارند که بازیگران بزرگ اینکار را نمی‌کنند، لذا این پیش فرض که تعاونیها بر اساس قواعد خود کار می‌کنند و از قواعد رقابتی خود تقلید نمی‌کنند، برای سازمانهای سرمایه‌گذار طراحی شدند و اهداف مختلف دارند. به این قرار:

- کاهش روابط و طرفه و تبدیل شرکتهای به شکل قانونی

- تلفیق و اکتساب از دست دادن امتیازات کوچک و ریشه‌های محلی و افزایش هزینه ارتباطات اعضا بدون رسیدن به حجمی که برای بازیگران بزرگ، مهم است.

- سعی در جذب سرمایه‌گذاران با تقسیم‌بندی و سهام بالا و ذخیره نامرئی ضمن توجه به کنترل توسط خود آنها.

- برخورد با اعضا مانند مشتریان ساده و سهامداران، و قدرتی که اعضا فعال، پویا و با انگیزه نادیده گرفته نشود. و اینکه دیگر جوامع تعاونی را تقویت نمایند.

علاوه بر آن برای کار موفقیت‌آمیز لازم است که رهبران تعاونیها و مدیران از تفاوت‌های اساسی روشهای تعاونی مطلع بوده و بهترین وضعیت را در بازار سرمایه‌های سرمایه‌گذاران داشته باشند.

برای مثال باید توجه داشت که پول فقط صرف می‌شود، ولی تعاونیها از مازاد و منابع خود برای سهام توزیع شده به اعضا استفاده می‌کنند و مقداری از آن را بعنوان ذخیره نگهداری می‌کنند این وضعیت در هیچ جای دیگر برای ایفاء نقش اجتماعی ویژه و امتیاز انحصاری اعضا، برای به ثبات رساندن متغیر سهم سرمایه در تعاونیها وجود ندارد، چراکه این امر موجب رضایت اعضا و توسعه جوامع تعاونی می‌شود.

مشکلات رو در رو (هنگامیکه اصول و ارزشهای تعاونی را می‌خواهند به هنجارهای قانونی ترجمه نمایند)

برخلاف این ادعا که در بسیاری از متون قانونی که اصول تعاونیها در خطوط راهنمای قوانین پذیرفته شده‌اند، گاه انحرافات از این اصول در همان متون دیده می‌شود.

- خودیاری و ترویج اعضا

در جوامع تعاونی واقعی به شدت مورد توجه قرار می‌گیرند لذا نباید تعاونیها را به ابزاری برای خط مشی توسعه عمومی تبدیل کرد. باید بر ترویج منافع اعضا تأکید شود. در غیر اینصورت انگیزه‌های برای اعضا باقی نمی‌ماند.

- اصل عضویت داوطلبانه و آزاد نیز برای پویایی منافع اعضا در نظر گرفته شده است. در کل اشخاص به سازمانی نمی‌پیوندند و تعهدی نسبت آن احساس نمی‌کنند مگر اینکه مشاهده کنند که برای آنها سود دارد.

نحوه عمل تعاونیها در مقام یک

سازمان تجاری خصوصی، تأکید

بر اصول داوطلبانه و عضویت

آزاد است، این اصول چنین

تأثیری را دارد که فقط

تعاونیهای می‌توانند رشد

کنند که مردم را متقاعد کنند

که منافع آنها را به بهترین وجه

تأمین می‌کنند، تا عضو شوند

یا عضو باقی بمانند.

در کل برای تجارت و زندگی به

سبک تعاونی یعنی افرادی که

آگاه هستند که هیچ شانس

برای موفقیت در اقتصاد جهانی

ندارند، باید درک کنند که

همبستگی با دیگران راه بقاء

است و حرکت از فردگرایی

محض به فردگرایی تعاون گونه،

همبستگی آنها را محکمتر

می‌سازد.



تعاونیها باید در انتخاب فعالیتها آزاد باشند و این حق را داشته باشند که از منافع خود استفاده کنند و قادر باشند آنطور که می خواهند در زیر مجموعه دوم و سوم خود نیز فعالیت کنند و از لحاظ مالی توانا باشند.

خود نظمی قسمتی از اصل استقلال و خودکفایی است و از خصوصیات جوامع تعاونی تحت پوشش قانون است. برای مثال چهارچوب ILO در قانون گذاری تعاونیها اشاره دارد که تعاونیها حق دارند، هنگام لزوم، بالاترین مرجع سازمانی را ایجاد کنند. بر همین اساس به تعاونیها این حق را می دهند تا فدرالیزه شوند و محدودیتها، به شکل قانون نوشته شدند. در زمینه اجرای عضویت و اهداف فدراسیون ها و اتحادیه، تعاونیها باید بر طبق قانون عمل کنند. تعاونیها باید در انتخاب فعالیتها آزاد باشند و این حق را داشته باشند که از منافع خود استفاده کنند و قادر باشند آنطور که می خواهند در زیر مجموعه دوم و سوم خود نیز فعالیت کنند و از لحاظ مالی توانا باشند.

نظارت دولت مورد دیگری است که در اصل استقلال تعاونیها کاملاً مورد توجه قرار نمی گیرد. نظارت دولت بر تعاونیها در زمینه بازرسی جوامع تعاونیها و دخالت در فعالیتهای داخلی آنها ممکن است بعنوان آخرین ابزار باشد، اما نباید به شکل یک جزبان و رویه مبدل گردد. از هنگامیکه دولت در جریان عملکرد اثر می گذارد بطوریکه از صاحبان اعتبار نمی توان دفاع کرد به مردم و عامه مخصوصاً کارکنان با کیفیت نیاز می باشد تا از این ویژگی استفاده شود، کارکنانی که در وضعیت عادی در اوضاع اداری یافت نمی شوند.

در اینجا این سوال مطرح می شود که آیا دولت باید در بخش آموزش متخصصین سرمایه گذاری نماید تا در بخش تعاون یا سایر بخش های اداری یا درون سیستم تعاونی کار کنند یا باید آموزش متخصصین را به دست فراموشی بسپرد؟

علی القاعده تفسیر نحوه قانون گذاری تعاونیها به شکل قانونی در حد و مرز خط مشی و قانون نباید قرار گیرد. **عناصر خط مشی دولتی مستقیماً نباید به شکل قانون نوشته شوند** در غیر اینصورت هر تغییری در خط مشی، نیاز به اصلاح قانون دارد و تعاونیها را با چهارچوب قانونی معتبر روبرو می سازد که برای توسعه با ثبات نیاز به آن دارند.

نتیجه گیری

زمانیکه دولت بدنبال عدم تمرکز قدرت باشد، جانبیکه دولت از امور اقتصادی و فعالیتهای اجتماعی کنار گذاشته شود و هنگامی که پیشگامی بخش خصوصی و شرکت فعال شهروندان در زندگی عمومی نهادینه شود، تأسیس سازمانهای غیردولتی و ایجاد جامعه مدنی، تشویق، دلگرم و حمایت می شوند، روند تدوین قانون دستخوش تغییر می شود و بجای تخمیل مقررات بر شهروندان بوسیله قانونی که برای آنان تدوین شده است آنها بصورت از بالا به پایین و بطور دستوری، تصمیم سازی در روند امور، شرکت داوطلبانه در برنامه ریزی، تعریف و شفاف سازی نحوه تدوین قوانین. بخودی خود اهمیت خواهند یافت و مردم در مورد آنها از خود حساسیت نشان خواهند داد. در این صورت در تدوین قوانین برای شرکتهای تعاونی که خود در عین حال یک سازمان اقتصادی و اجتماعی نیز هستند قطعاً ارزشهای خاص خود آنان دنبال می شود.

اصول و روشهای تاثیرگذاری بر روی زندگی طبقات ضعیفتر را نمی توان بعنوان یک روند یک جانبه تلقی نمود بلکه باید با نگرش یک مباحثه و گفتگوی دائم و در حال پیشرفت بین نمایندگان دولت و رهبران منتخب تعاونیها بدان نگرست.

در راستای تضمین ادامه حیات سرمایه گذاران خرد و متوسط محلی و سازمانهای خودیاری مربوطه شرکتهای تعاونی نقش آنها را ایفا می نمایند و استقرار آنها در یک اقتصاد جهانی، انجام بحث و گفتگو در فضای باز و آزاد، به هدف تدوین مقررات خاص شرکتهای تعاونی کمک بزرگی به حساب می آید.

و طبعاً نیل به عدالت اجتماعی و ایجاد جامعه ای برابر از طریق تعاونیها در صورتی محقق خواهد گردید که تعاونیها خودگردان و مستقل بوده و بتوانند با بهره گیری از نقاط قوت و اعمال خط مشی های خود، منابع و امکانات خود را در هم آمیخته و از این امکانات و منابع در یک سیستم متمرکز و با ایجاد ارتباطات عمومی در بین خود تعاونیها به نفع خود بهره برداری نمایند.

- در هر صورت آیا تعاونگران و رهبران و مدیران تعاونی کاملاً و بطور روشن در مورد اصول تعاون و ارزشهای تعاونی جهت موفقیت خود مطلع و آگاه هستند؟

- آیا کسانی که در مورد رشد موعظه می کنند، منوجه هستند که در زمان جهانی شدن و تحرک و پویایی زیاد این خطر وجود دارد که قدرت رقابت مهم و پراهمیت خود را که همان ریشه در محل داشتن، نزدیکی به اعضا و مشتریان و اصل مشارکت فعال اعضاء می باشد را از دست بدهند؟

- آیا آنهايي که در صدد بدست آوردن ابزار جدید مالی هستند و سعی در دست یابی به بازار سرمایه دارند، تا به اعتقاد خودبینان سرمایه تعاونیها را تقویت کنند آنها هم با پذیرفتن روشهای سرمایه گذاران و دعوت از آنها برای سرمایه گذاری در تعاونیها، نمی دانند که این روش خطر از دست دادن عدم وابستگی تعاونیها را دربردارد؟ و یا اینکه خطر کشمکش قدرت و گسترش ناسازگاری بین اعضاء تعاونیها و سرمایه گذاران را دربر خواهد داشت و باین ترتیب رفتار غیردوستانه بر شرکتهای تعاونی تسلط خواهد یافت؟

- به اعتقاد یک متخصص آلمانی در امور قانون تعاون،

- شانس تعاونی برای موفقیت در صورتی افزایش می یابد که همه کارکنان و دست اندرکاران شامل (اعضا، رهبران، مدیران و کارکنان شرکتهای فدراسیون تعاونی) در ارتباط با وظیفه خود جدی بوده و اعتقاد راسخ به خودیاری تعاونی داشته باشند و خود را متعلق به جمع بدانند.

**نیل به عدالت اجتماعی و ایجاد
جامعه ای برابر از طریق
تعاونیها در صورتی محقق
خواهد گردید که تعاونیها
خودگردان و مستقل بوده و
بتوانند با بهره گیری از نقاط
قوت و اعمال خط مشی های
خود، منابع و امکانات خود را در
هم آمیخته و از این امکانات و
منابع در یک سیستم متمرکز و
با ایجاد ارتباطات عمومی در
بین خود تعاونیها به نفع خود
بهره برداری نمایند.**